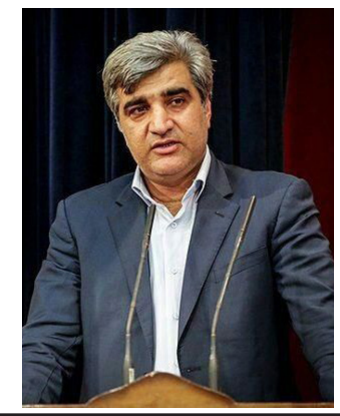
نسیم جنوب

nasimjonoub.com

سال بیست و سوم- شماره ۹۱۸ یک شنبه ۲۲ تیر ۱۳۹۹ - ۴ صفحه - ۱۰۰۰ تومان



تحقق قول یک‌ساله سالاری برای مطالبه ده‌ساله در تامین اجتماعی

صفحه۴



زمردی در قواره انسانیت

به یاد شهید سلامت استان بوشهر دکترخضر خلیلی

حسین روئین

صفحه۴

شوخی پنداری کرونا، استقبال از مرگ



۲



آنچه کرونا با ما می کند:

کمای مدنیت

مرتضی رضایی

۴



نگذارید زمین چمن شاهین هم نابود شود!

رضا سیاهوشی

۴



کرونا آرام تر؛ ما ملت تحریمیم

دکتر سجاد بهزادی

۴



چرخه دانایی، ضرورت گذار تاریخی

عبدالخالق ماجدی



مصاحبه نسیم جنوب با علی ایزدجو استاد خوشنویسی استان بوشهر:

حال خوشنویسی در بوشهر خوب است

صفحه۳



از جنگ ۴۰ سال پیش تا آوارگی امروز

آگهی ارزیابی کیفی مناقصه گران

سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس

موضوع مناقصه : خدمات راهبری، نگهداری، سرویس و تعمیر تأسیسات و تجهیزات منطقه پارس یک

شماره مناقصه ۹۹/۰۱

نوع مناقصه	مناقصه عمومی یک مرحله ای
نام و نشانی مناقصه‌گزار	سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس ـ استان بوشهر، عسلویه ، ساختمان همایش های خلیج فارس
مبلغ تقریبی برآورد اولیه	۲۱۸،۷۶۷،۰۶۱،۹۷۸ ریال
نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	ضمانتنامه بانکی یا وجه نقد به ۷،۰۳۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال (که قابل تمدید به مدت سه ماه با درخواست مناقصه گزار بوده و پس از تایید در مرحله ارزیابی کیفی بایستی همزمان با تحویل پیشنهادها ارایه گردد.)
شرایط شرکت در مناقصه	۱–دارا بودن گواهینامه صلاحیت از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در کد تعمیر و نگهداری و امور تأسیسات یا دارا بودن گواهینامه صلاحیت با حداقل پایه ۴ در رشته تأسیسات و تجهیزات از سازمان برنامه و بودجه کشور
نحوه دریافت استعلام ارزیابی کیفی مناقصه گران	۱– نشانی اینترنتی WWW.PSEEZ.IR ۲– HTTP://IETS.MPORG.IR ۳– دبیر خانه کمیسیون مناقصات
برگه های تکمیل شده استعلام ارزیابی کیفی، مدارک و مستندات می بایست در سامانه ستاد به نشانی Setadiran.ir بارگذاری گردد.	
آخرین مهلت تحویل مدارک	ساعت ۰۰ : ۱۴ روز یکشنبه مورخ ۹۹/۰۵/۰۵
محل تحویل مدارک	استان بوشهر، عسلویه ، سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس ، ساختمان همایش های خلیج فارس ، طبقه اول ، دبیرخانه کمیسیون مناقصات –تلفن : ۴– ۲۱۵۰ ۰۷۷۳۱۳۷ نمابر : ۰۷۷۳۱۳۷۲۱۵۵
تلفن کمیسیون مناقصات	۴– ۲۱۵۰ ۰۷۷۳۱۳۷ نمابر : ۰۷۷۳۱۳۷۲۱۵۵

روابط عمومی سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس

آگهی فراخوان مناقصه عمومی

مجوز: ۱۳۹۹/۱۷۴۷

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی پالایشگاه نهم در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی تامین نماید:

شماره تقاضا و مناقصه: مناقصه شماره ۹/۹۸/۰۱٤ R تقاضای ۹۸٤۰۰۵۷ – EM

شرح مختصر اقلام درخواستی : DEMISTER PAD

مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: پس از اتمام مرحله ارزیابی صلاحیت، مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار به میزان ۳۰۷/۲۰۰/۰۰۰ ریال می باشد.

نوع تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: تضمین شرکت در فرایند ارجاع کاربه صورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین نامه تضمین شماره ۱۲۳٤۲۰۲/ ت ۵۰٦۵۹ ه – مورخ ۹٤/۹/۲۲ هیات وزیران می باشد.

تبصره: در صورت ارایه تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار بصورت وجه نقد، مبلغ نقدی می بایست به شماره حساب ۰۱۱۱۱۱۲٦۲٦۰۰۹ بانک ملی شعبه کنگان به نام پالایشگاه نهم شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی واریز و فیش واریزی ارایه گردد.

مبلغ برآوردی مناقصه: ٦/۱٤٤/۰۰۰/۰۰۰ ریال

تاریخ تحویل اسناد به واجدین شرایط: ۹۹/۵/۲۰

آخرین مهلت ارایه پیشنهادات : ۹۹/٦/۷

تاریخ گشایش پاکت های فنی: ۹۹/٦/۱۵

تاریخ گشایش پاکات مالی: ۹۹/۷/٤

آدرس و تلفن مناقصه گزار: استان بوشهر، شهرستان کنگان، منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس سایت ۲، شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی، فاز ۱۲ – پالایشگاه نهم – اداره تدارکات و امور کالا – واحد خرید، تلفن: ۰۷۷۳۱٤٦۳۷۸٤ – ۰۷۷۳۱٤٦۳۷۸۲

مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SPGC.IR مراجعه یا با شماره تلفن های ۰۷۷۳۱٤٦۳۷۸٤ – ۰۷۷۳۱٤٦۳۷۸۲ تماس حاصل فرمایند.

«روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی»

خبر ۲
شماره ۹۱۸ یک شنبه ۲۲ تیر ۱۳۹۹
NASIM JANOUB

ساخت آسایشگاه، مهر ماندگار نیکوکار گناوه‌ای



گناوه - ایرنا - پروژه در دست ساخت آسایشگاه خیرساز "مادر" در گناوه مهری ماندگار با اجر معنوی و اخروی است که تا ابد در کارنامه اعمال خیر این نیکوکار جاودان خواهد شد.

این پروژه که از بهمن سال ۹۸ در روستای سربست توسط یک نیکوکار گناوه‌ای آغاز شده طبق برنامه‌ریزی صورت گرفته تا اسفند ماه امسال به پایان خواهد رسید و تحویل می‌شود، خدمات متعددی به توانخواهان ذهنی و جسمی و بیماران اعصاب و روان فاقد سرپرست، در سراسر استان بوشهر ارایه خواهد کرد.

فرماندار گناوه روز چهارشنبه به همراه امام جمعه در بازدید از این پروژه گفت: اقدام خیر در ساخت این مرکز اجر معنوی و اخروی دارد و آماده هرگونه همکاری در اتمام آن هستیم.

غلامرضا مهرجو افزود: ساخت این مرکز که تاکنون ۵۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد در مرحله اول برای بخش شبانه‌روزی و نگهداری ۱۵۰ معلول و سالمند بی سرپرست طراحی شده‌است.

وی اظهارداشت: این مرکز به عنوان تنها مرکز نگهداری مبتلا به بیماری‌های اعصاب و روان از کل استان بوشهر خواهد بود.

مهرجو گفت: همچنین در این آسایشگاه دختران عقب مانده ذهنی بالای ۱۴ سال و سالمندان زن در وهله اول از شهرهای گناوه ، دیلم و ریگ پذیرش میشوند.

فرماندار گناوه افزود: این مرکز در بخش ویزیت و مراقبت‌های سرپایی و پیگیری در منزل معلولان، سالمندان مبتلا به آلزایمر و بیماران روانی به ۱۵۰ نفر توانخواه مرد و زن تنها از دیلم، گناوه، ریگ و امام حسن در دو حوزه عقب ماندگی ذهنی و اعصاب روان خدمات رسانی خواهد کرد.

وی بیان کرد: سالن چند منظوره این مرکز در مرحله اول برای استفاده عموم مردم گناوه در زمینه برگزاری کلاس‌های مهارت‌های روزمره زندگی، آموزش‌های پس از ترک اعتیاد، ارتقای مباحث فرهنگی، خیاطی و حرفه آموزی معلولان در نظر گرفته شده‌است.

مهرجو گفت: سالن چندمنظوره آسایشگاه مادر گناوه با نیت خیر و اعمال تغییراتی اندک، می‌تواند برای کارگاه تولیدی و حمایت از اشتغال توسعه داد تا مورد استفاده همه معلولان اعم از جسمی، ذهنی، نابینا و ناشنوا قرار گیرد.

امام جمعه گناوه گفت: این شهرستان خیران دلسوز و بزرگواری دارد که در کارهای عام‌المنفعه پیشگام و تاکنون بناهای زیادی را ازجمله در عرصه سلامت و آموزشی احداث کرده‌اند.

حجت الاسلام سیدعبدالهادی رکنی حسینی افزود: احداث آسایشگاه ویژه توانخواهان از طرح‌های مهم و بسیار خوبی است که یک خیر آن را متقبل شده و می‌تواند در حوزه خدمات اجتماعی ایفای نقش کند.

احمد عابدی خیر گناوه‌ای گفت: این پروژه در زمینی به مساحت ۷۵۰متر مربع و زیربنای یکهزار و ۷۵۰متر با ۲۰۰ متر حیاط مشجر و ۲۵۰ متر روف گاردن در دست احداث است.

وی افزود: این پروژه از سال ۱۳۹۸ آغاز و دارای ۶ سالن مستر دار لوکس است.

عابدی اضافه کرد: آشپزخانه صنعتی، لاندری، سالن غذاخوری مجزا و چندمنظوره آموزشی، اتاق قرنطینه و استراحت پرسنل، پاویون پرستاری، اتاق معاینه پزشک و ویژه روانشناسی و مددکاری، کاردرمانی در این پروژه پیش بینی شده است.

آگهی تغییرات

آگهی تغییرات شرکت باربر دریایی بوشهر شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۴۹۰ و شناسه ملی ۱۰۹۶۰۰۳۶۸۳۸ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ۹۸/۰۳/۱۸ و نامه شماره ۹۸/۷۵۵۲-۵ - ۹۸/۳/۱۹ اداره کل حمل و نقل جاده ای استان بوشهرتصمیمات ذیل اتخاذ شد : الف)- اعضای هیات مدیره عبارتند از: -آقای عبدالصمد نجفی بشماره ملی ۲۳۷۲۳۵۹۲۴۱- آقای وحید نجفی بشماره ملی ۲۳۶۰۱۶۸۹۱۶-آقای محمدابراهیم نجفی بشماره ملی ۲۳۷۰۹۱۸۴۰۳- آقای عبدالحمید نجفی بشماره ملی ۵۴۷۹۷۵۷۴۶۶ برای مدت دو سال انتخاب شدند. ب)-آقای محمد اژدهاکش بشماره ملی ۲۳۷۰۵۸۸۳۸۱ بسمت بازرس اصلی و خانم آسیه اژدری بشماره ملی ۲۲۹۳۰۸۸۶۰۱ بسمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند. ج)-روزنامه کثیرالانتشار نسیم جنوب جهت نشر آگهی های شرکت انتخاب شد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری کنگان (۹۰۷۹۲۵)

رییس پلیس آگاهی استان بوشهر:
اکثر قتل‌های بوشهر بر سر مسائل ناموسی است

اختلافات ناموسی در بوشهر به حدی درگیری به وجود می‌آورد که گاها منجر به قتل هم می‌شود. متاسفانه کنترل این قتل‌ها دیگر در اختیار پلیس نیست که بتواند این موضوع را کم کند و امنیت را زیاد، بلکه این موضوع صرفا برمی‌گردد به آموزش و ارتقای فرهنگ که این موضوع هم فقط به دست رسانه‌ها و مخصوصا صدا و سیما انجام می‌شود

به گزارش اعتماد، اینها را سرهنگ «حسین بارونی» رییس پلیس آگاهی استان بوشهر می‌گوید و تاکید دارد این قتل‌ها با بالا بردن سطح آگاهی و فرهنگ مردم بوشهر قابل کنترل است. او که پیش از اینکه رییس اداره آگاهی استان بوشهر شود ۵ سال رییس آگاهی دشتستان نیز بود بیشترین آمار قتل‌های بوشهر را در چهار شهر تنگستان، گناوه، دیر و دشتستان می‌داند.



«اکثر قتل‌های بوشهر بیشتر بر سر اختلافات ناموسی است. بارها دیده شده در بوشهر دختری که درباره خواستگارش به خانواده‌اش گفته توسط پدر یا برادرش به قتل رسیده است و بعد می‌گویند خون دختری که با مرد غریبه ای حرف بزند حلال است.»

از نظر رییس پلیس آگاهی استان بوشهر که ۴۹ ساله است بیشترین جرمی که در این استان اتفاق می‌افتد مربوط به سرقت موتوسیکلت است که البته با تدابیر این پلیس آمار کشفیات این سرقت با افزایش روبه‌رو بوده است. این مقام انتظامی همچنین از خاص‌ترین پرونده‌های قتلی که در ذهن داشت مثال‌هایی زد که در ادامه می‌خوانید:

– در کدام یک از شهرهای استان بوشهر بیشتر وقوع قتل را شاهد هستیم و بیشتر بر سر چه مسائلی؟

– شهرهایی که بیشترین قتل‌ها را در آن شهرها شاهد هستیم دیر، تنگستان، دشتستان و گناوه است. البته اینکه می‌خواهید بدانید در کدام یک از شهرهای بوشهر قتل بیشتری اتفاق می‌افتد اسم این شهرها نام برده شد ولی این به این معنی نیست که فکر کنید امنیت در این چهار شهر کم است، خیرفقط نسبت به شهرهای دیگر قتل بیشتری اتفاق می‌افتد وگرنه تعدادش بسیار محدود است.

– تعداد محدود یعنی چند قتل؟

– یعنی نهایت یکی، دو نفر بیشتر از شهرهای دیگر.

– خب اگر تعدادش کم است که می‌شود مانند شهرهای دیگر بوشهر.

– ما با افزایش ۳۰ درصدی کشف قتل‌ها در امسال روبه‌رو بوده‌ایم. تعداد قتل‌های امسال نسبت به سال گذشته بسیار کاهش یافته است. در چهار ماهه اول امسال تنها ۶ قتل در کل استان داشته‌ایم که این نشان از امنیت بسیار خوب این استان دارد.

– این ۶ قتلی که اتفاق افتاده بیشتر با چه انگیزه‌هایی بوده و به طور کلی متهمان به قتل در این استان بیشتر بر سر چه موضوعاتی اقدام به این قتل‌ها کرده‌اند؟

– تقریبا تمام این قتل‌ها بر سر اختلافات ناموسی است. اختلافات ناموسی در بوشهر به حدی درگیری به وجود می‌آورد که گاها منجر به قتل هم می‌شود. متاسفانه کنترل این قتل‌ها دیگر در اختیار پلیس نیست که بتواند این موضوع را کم کند و امنیت را زیاد، بلکه این موضوع صرفا برمی‌گردد به آموزش و ارتقای فرهنگ که این موضوع هم فقط به دست رسانه‌ها و مخصوصا صدا و سیما انجام می‌شود. اینکه وقتی دختری خواستگار دارد بتواند به راحتی مطرح کند اصلا اتفاق بدی نیست اما در اکثر خانواده‌های بوشهری هیچ دختری حق گفتن چنین موضوعاتی به خانواده‌اش را ندارد و اگر هم کسی جسارت کند و بگوید معمولا چنین جرایمی اتفاق می‌افتد که واقعا تلخ است. در بیشتر این خانواده‌ها متاسفانه خون دختری که با مرد غریبه حرف بزند حلال است.

– درباره این قتل‌های ناموسی آیا پرونده خاصی در خاطر دارید که مثال بزنید؟

– فکر می‌کنم بهار سال گذشته بود که پسر۲۱ ساله‌یی خواهر ۱۶ ساله‌اش را صرفا برای اینکه پسری در راه مدرسه با او حرف زده بود با ضربات متعدد چاقو به قتل رساند. حتی متهم خودش هم اعتراف کرده که خواهرش حرفی نزده و پسر همسایه با او حرف زده است ولی توان دیدن این صحنه را نداشته است. خب این یکی از پرونده‌هایی بود که دختر واقعا بی‌گناه جان خود را از دست داده و در ذهن دارم. یکی دیگر از پرونده‌های ناراحت‌کننده‌تر هم که خیلی خاص بود خودکشی دختر به دلیل همین موضوع بود. دختری به خانواده‌اش درباره یک خواستگار گفته بود و برادر این دختر به حدی او را کتک زده بود که دختر پس از رفتن برادرش رگ دست خود را زد.

– پلیس آگاهی بوشهر برای کاهش قتل‌های ناموسی در این استان چه برنامه‌هایی دارد؟

– خدارا شکر قتل در هر سال نسبت به سال گذشته در بوشهر کاهش دارد به طوری که گفتم در چهار ماه اول امسال تنها ۶ قتل داشتیم که به جرات می‌توانم بگوییم این آمار با هیچ استانی حتی قابل مقایسه نیست و ما تمام توان خود را به کار گرفته‌ایم که این آمار را به صفر برسانیم اما همان طور که پیش‌تر گفتم این موضوع به لطف ارگان‌ها و سازمان‌های دیگر ممکن می‌شود. اطلاع‌رسانی در آموزش و پرورش نیز در کنار رسانه‌ها می‌تواند سطح فرهنگ جامعه را به مراتب بالا ببرد و تفکر مردم را به سویی ببرد که دخترها دیگر درباره این گونه مسائل از سمت خانواده خود در تنگنا نباشند.

– چه جرایمی در استان بوشهر بالاترین تعداد را شامل می‌شوند و در کدام یک از قسمت‌های بوشهر؟

– جرایم که در بخش‌های مختلف به تعداد مختلف پراکنده است اما اگر بخواهیم به طور کلی و درباره جرایمی که در تمام شهرهای استان بوشهر بیشتر اتفاق می‌افتد صحبت کنیم باید به سرقت موتوسیکلت اشاره کنیم. سرقت موتور تنها جرمی است که در تمام شهرها آمار بسیار بالایی دارد و مجرمان زیادی اقدام به این کار می‌کنند حتی در سنین پایین.

– با توجه به این موضوع، پلیس آگاهی بوشهر برای جلوگیری از این سرقت دست به چه اقدامی زده است؟

– ثبت شماره‌گذاری موتوسیکلت‌ها، گذاشتن دوربین‌های مداربسته در مراکزی که بیشتر این سرقت انجام می‌شود مانند پارکینگ‌های موتوسیکلت از جمله کارهایی است که ما انجام داده‌ایم.

– این اقدامات شما کاهش این سرقت‌ها را در پی داشته یا خیر؟

– در وقوع خیر ولی در کشف بله. این دوربین‌ها سال گذشته بسته به وسعت هر شهر و رفت و آمد بیشتر و کمتر در هر شهر نصب شد و نتیجه‌اش این شدکه در سه ماهه اول امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل با ۳۵ درصد افزایش کشف موتوسیکلت روبه‌رو بوده‌ایم که این آمار کشف آمار بسیار خوبی است. سال گذشته نیز نسبت به سال ۹۰ با افزایش ۲۵ درصدی کشف موتوسیکلت روبه‌رو بوده‌ایم.

– یعنی نصب دوربین فقط ۱۵ درصد با سال گذشته نسبت به دو سال قبل افزایش پیدا کرد؟

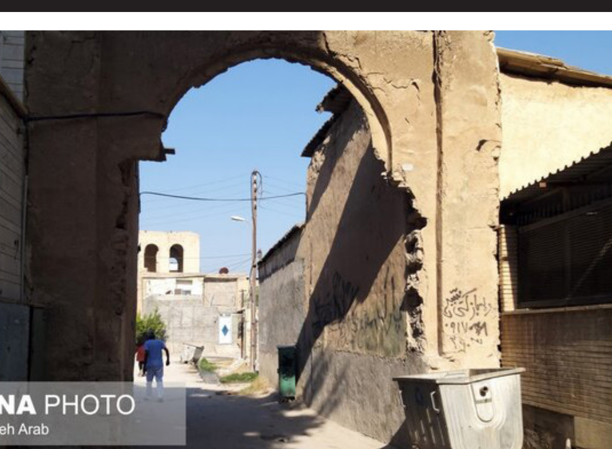
– البته که این آمار هم آمار ایده آل ما نیست و انتظار داریم کشفیات به صد در صد افزایش پیدا کند.

از جنگ ۴۰ سال پیش تا آوارگی امروز

ایسنا/بوشهر جنگ چهره زشت و کریهی دارد، چهره بی رحمی که تا سال ها پس از پایان آن نیز خود را به بازماندگانش نشان می دهد و خواب و بیداری مردم جنگ زده را پریشان می کند.

منطقه ای بین خیابان بی سیم بوشهر و کوچه حاج نجف در خیابان عاشوری، به قدر پناهگاهی دیرینه به خانه های کوچک محقری تبدیل شده تا پنجاه و چند خانوار را اسکان دهد. خانواده هایی که بخشی از آنها جاماندگان جنگ هستند و برخی نیز بعدتر به این جمعیت پیوسته اند.

مالکیت زمین ها با آنها نیست اما خانه ها چرا. بلوک به بلوک آنها را با امید بر روی هم گذاشته اند و برای سالها چاره ای و جایی جز همین خانه های سنگی و بلوکی نداشته اند.



مرد دارد چیزی را از توی پراید قدیمی اش برمی دارد. آفتاب بی رحمانه می تابد و برق عرق بر سر و رویش پیداست. جلو می روم و سلام می کنم. بعد از جریاناتی که در آن محله مهجور اتفاق افتاده می پرسم. و او شروع می کند به گفتن: "روز سه شنبه آمدند و دو تا از خانه ها را تخریب کردند، قضیه تخریب را به ما نگفته بودند. چند وقت است که به ما اخطار داده اند، اما حدود ۴۰ سال است که اینجا زندگی می کنیم. البته مال خودمان نیست، خرید و فروش هم نشده. حتی سند ندارند اما کنتور آب و برق داریم و شهرداری هم خانه ها را پلاک کرده است."

مرد با لُنگی که دور گردن دارد عرق پیشانی اش را خشک می کند و ادامه می دهد: "کسی که ۵۰-۴۰ سال پیش زمین را رها کرده و رفته، اگر ما نبودیم الان به دست ارگان یا نهادی افتاده بود و اثری از آن نبود. حالا ما می گوییم برای این مدتی که ما اینجا بوده ایم و زمین ارزش پیدا کرده یک زمین، خانه یا پولی به ما بدهند تا بتوانیم کاری برای خودمان بکنیم. اینطور هم درست نیست که بیایند و تخریب کنند. پس چاره کار ما چیست؟"

می پرسم قبل از تخریب به شما اخطار نداده بودند؟ جواب می دهد: "مدتی بود که می آمدند و می گفتند باید بروید. اولین بار که نیروی انتظامی آمد و لودر آوردند برای تخریب، اول آب و برق را قطع کردند و کارگر هم آوردند که اثاثیه را بار کند. دو سه هفته پیش تقریبا ۱۱ اخطاریه برای چند خانه ای که الان در حال تخریب هستند آورده بودند و مامور هم به ما گفت باید زودتر فکری بکنید و مشکلتان را حل کنید چون به زودی حکم تخریب صادر می شود و دیگر کاری از دست ما برنمی آید!"

سندی که برای آواره کردن ما رو شد!

او ادامه می دهد: "می گویند این زمین ها مالک شخصی داشته و خارج از کشور زندگی می کرده. بچه هایش یک سند پیدا کرده و متوجه شده اند زمین بزرگ آبا و اجدادی آنها اینجاست، بعد هم وکیل گرفته اند و به او گفته اند این زمین ها را برایمان زنده کن نصفش برای خودت! ما اصلا خود مالک را ندیده ایم. فقط دو سه نفر وکیل می آیند. قرار بود پول بدهند، به هر خانه ۲۰ یا ۳۰ میلیون تومان، اما بعد گفتند زمین اطراف عالیشهر می دهیم. این جریان برای تقریبا یک ماه پیش است، اما الان دیگر خبری از پول و این حرف ها نیست. اینهمه پولی که می خواستند به وکیل بدهند و برای زمین هزینه کنند را می گذاشتند برای کمک کردن به ما مستحق تر بود."

بعد توضیح می دهد: "ما برای ساخت خانه ها مجوز شهرداری نداشته ایم، اما بعد کنتور آب و برق به نام خودمان صادر شده است."

جنگ ما را به اینجا آورده است

اطلاعیه پلیس را نشانشان می دهم، مرد در تایید آن می گوید: "همه حرفهای نیروی انتظامی هم درست است، اما پدر من جنگ زده است. زمانی که جنگ شد اول که آمدیم روبروی کلانتری ۱۲ چند شبی را در یک سالن بزرگ خوابیدیم. بعد آدرس اینجا را دادند و این بلوک ها -اشاره می کند به دیوار خانه ی روبرو- را خود بنیاد مهاجرین آورد. هنوز دفترچه هایی که بنیاد مهاجرین به ما سیمان و بلوک داده را داریم و خود دولت به ما مجوز داد که اینجا باشیم، پس ما تصرف نکرده ایم و دولت ما را اسکان داده است. جنگ ما را به اینجا آورده، به جای چند سال ۴۰ سال ماندیم. اصلا هم حرفی از اسکان موقت نبوده، بعدا کانال آب برای ما کشیدند و برق دادند و پلاک گذاری شد. چهار دهه یک عمر است."

وی اینگونه ادامه می دهد: "یکی از همسایگان ما سندی دارد، مادربزرگش سال ۸۸ رفت دنبال سند و برگه ای به او دادند. جنگ زده هایی که ما هستیم نزدیک به ۱۵ نفر می شویم. به بقیه کار نداریم که خانه خریده اند، بوشهری داریم، کازرونی هم هست. من لیست همه افراد نوشته ام، من به مالک حق می دهم، حتی هفته گذشته پیش رئیس کلانتری بودم و گفت دوباره درگیری می شود چون خیلی مدعی دارد. ما آب و برق و پلاک داریم، برایمان کانال آب درست کردند. اما قبل از خالی کردن خانه، کنتور برق و امتیاز آن را پرت می کنند. کولر دو تکه را همینطور باز می کنند و... خسارت وسایل ما را چه کسی می دهد؟"

فقط یک سوال: کجا زندگی کنیم؟

دختر نوجوانی ناراحت و معترض کنار خانه تخریبی و پدر مستاصلش که به دیوار خانه تکیه داده، ایستاده است. او با غم آشکاری می گوید: "سوال ما زمان تخریب فقط این بود که کجا زندگی کنیم؟ همین. چه کسی به من جواب می دهد؟" زن دیگری می گوید: "دیروز ساعت یک ظهر برق و آب را قطع کردند. ما هم تا ساعت یک شب اینجا بودیم و بعد گرمازده و خسته هر یک به سویی رفتیم. من به خانه مادرم رفتم. قولنامه خانه ام هم در اثاثیه ای است که بردند و گفتند بعدا بیایید تحویلش بگیرید."

اطلاعیه پلیس بوشهر درباره تخلیه و تخریب منازل مسکونی

به گزارش ایسنا، روز سه شنبه هفته جاری -۱۷ تیرماه ۹۹-که فیلم هایی از تخلیه و تخریب منازل مسکونی کوی بی سیم واقع در شهر بوشهر با حضور ماموران انتظامی به شکل گسترده ای در فضای مجازی منتشر شد، پلیس بوشهر با نشر اطلاعیه ای توضیحاتی در این خصوص ارائه کرد.

فرمانده انتظامی شهرستان بوشهر درباره این اتفاق توضیح داده است: "صبح روز سه شنبه ۱۷ تیرماه ۹۹، در راستای اجرای حکم مقام قضائی، برای رفع تصرف عدوانی تعدادی منزل مسکونی واقع در خیابان بیسیم شهر بوشهر، ماموران نیروی انتظامی در محل اجرای حکم حضور یافتند."

سرهنگ عرب زاده خاطرنشان کرد: "حکم تخلیه مربوط به مدت ها قبل بوده و چندین بار به ساکنین ابلاغ شده که توجهی ننموده اند، در همین رابطه پس از دستور مقام قضائی و با حضور نماینده دادستان اجرا شده است و ماموران نیروی انتظامی صرفا به منظور تامین نظم و امنیت در محل حضور داشته اند و هیچگونه بی احترامی و یا درگیری و دستگیری صورت نگرفته است."

برای دانستن جزئیات بیشتر این ماجرا تلاش کردیم با نیروی انتظامی و دادستان عمومی و انقلاب بوشهر تماس بگیریم اما به نتیجه ای نرسیدیم. خبرگزاری ایسنا آماده مصاحبه با متولیان و مسئولان امر بوده و حاضر است تا هر گونه توضیحی از سوی مسئولان مطلع را دریافت و منتشر نماید.

آنچه کرونا با ما می کند : کمای مدنیت

مرتضی رضایی

کرونا بسان «باد لعنتی» وزیدن گرفته است و ابعاد زندگی را در سویه‌های مختلف برای همهٔ انسان‌ها و شاید برای جوامع کمتر توسعه یافته به نحوی متزایدی دست خوش دگرگونی و آشوبی عمیق کرده است. کرونا و تأثیر مرض کووید-۱۹ بر اقتصاد بارها و بارها از زوایای مختلف سنجیده شده و عمده‌ترین مباحث را به خود اختصاص داده است. آنچه که مغفول باز مانده، تأثیر اپیدمی این ویروس، بر فرهنگ و مهم تر از آن بر مدنیت است. اما این ویروس با ما و مدنیت نحیف و به استضاعف کشیدهٔ ایرانی چه می کند؟

ویروس کرونا و فرهنگ

از هم اکنون می‌توان تأثیر این ویروس بر همهٔ مؤلفه‌های زیست فرهنگی ایرانی را دید:

عروسی‌های ما، عزاهای ما، ماسک آیینی و دینی ما دگرگون شده؛ نحوهٔ سلام و علیک، دست دادن به عنوان پیش پا افتاده‌ترین‌ها تغییر کرده و عادات نوینی بر می‌سازد که اگر این بیماری دامنه دار گردد، بسیاری از این عادات شاید تا مدت‌ها بعد از علاج مرض کووید-۱۹ باقی بماند. بسیاری از چیزهایی که تا دیروز ارزش شمرده می‌شد اینک با دیدهٔ تردیدهای عمیق نگریسته می‌شوند. از بخشی از باورهای مذهبی تا بسیاری از ارزش‌های اجتماعی و بایدها و نبایدهای متصلبی که بیشتر مقاومت را در برابر هر نوع تغییر از خود نشان می‌دادند، اینک وجاهت و بلکه مشروعیت خود را زایل شده می‌بینند. اما سوای فرهنگ که کووید-۱۹ توانسته رخنه‌های منجر به تحول مثبت در آن ایجاد کند، مدنیت با آسیب‌های جدی رو به رو بوده است.

آنچه کووید با مدنیت می‌کند:

۱- سینما تعطیل شده است. خبری از کنسرت‌ها نیست. تئاترها به محاق رفته است. نمایشگاه‌ها و گالری‌ها از عرصه حذف شده است.

۲- سمن‌ها هیچ برنامه ای نمی‌توانند ترتیب دهند. طبیعت گردی مجالی ندارد. فعالیت‌های زیست محیطی نمودی ندارد. پاساژها را خریدار و خواهانی نیست. باشگاه‌های ورزشی تعطیل شده‌اند. کلوپ‌ها و هیئت‌ها تخته شده اند. جلسات مشاوره و محاوره و تحرک جمعیت‌ها و انجمن‌ها و بنیادهای خیریه



و نیکوکاری به شدت محدود و معدود شده است.

۳- بازار به عنوان پشتوانهٔ هر فعالیت عام المنفعه و خیرخواهانه با کسادی فزاینده رو به روست. مدنیت که بدون وجود بازار قدرتمند با مضیقه‌های بیشتری رو به رو می‌شود از این ناحیه آسیب‌های جدی و فراوانی دیده است.

۴- کافه‌ها خالی از گفتگو شده‌اند. محافل ادبی و شعر خوانی و قصه گویی تعطیل شده. دیگر جشن رونمایی از کتابی نیست. نقد و بررسی آثار برگزار نمی‌شود. مساجد و محافل خالی شده‌اند. مجالس مضمحل شده‌اند. هراس و اضطراب همه گیر شده و همه را به محاق کشانده.

۵- خانواده‌ها دچار گسیختگی شده‌اند. ارتباطات خانوادگی به کمترین میزان خود رسیده است. خانواده‌ها زیر فشارهای روانی شدید ناشی از انتقال ویروس زندگی می‌کنند. خانه‌ها سراسر در اضطراب فرو رفته و دیگر ممد و مأوای آرامش و امنیت نیست. قطع ارتباطات خانوادگی و حاکم شدن سایهٔ سنگین اضطراب بر آن، بی تردید تنهایی را گسترده تر می کند.

۶- اضطراب‌های روانی ناشی از خطر ابتلا به این مرض و انتقال آن به دیگری و به ویژه اعضای عزیز خانواده، فشارهای ناشی از تنهایی و تک افتادگی و درماندگی برخاسته از نبود هیچ راه چاره و احساس رها شدگی محض داشتن و استیصال برآمده از این حس، آسیب‌های روانی شدیدی می‌سازد که در نبود امکانات مدنی لازم برای گرفتن حمایت، خود به تخریب بیشتر مدنیت منجر می‌شود: روان‌های آسیب دیده نمی‌توانند حامل بذرهای مدنیت باشند.

بار اصلی ویرانی بر شانهٔ سمن ها

مدنیت به تعطیلی کشیده و از رواج و رونق افتاده است. جمعیت‌ها و سمن‌ها در ایران امروز خود تحت فشارهای مضاعف بوده‌اند. جامعه‌ای که متشکل نمی‌شود و به در مقابل تشکل یابی و تشکل سازی به شدت از خود مقاومت و بی انگیزگی نشان می‌دهد. و از آن سو سبکی از حکمرانی است که سر سازش با فعالیت‌های سازمان یافته ندارد و حتی قانونی‌ترین، شفاف‌ترین و شناسنامه دارترین تشکل‌ها و فعالیت‌ها را تاب نمی‌آورد و در تزاحم و تخاصم فعال با آن به سر می‌برد. این سمن‌ها اینک با سر رسیدن کرونا، زیر «فشار در فشار» قرار گرفته اند. همان فعالیت‌های روزمره‌ای که در حوصلهٔ جامعه و شیوهٔ مملکت داری کنونی نیز می گنجید و مجالی برای انجامش فراهم بود به تعطیلی کشیده شده. این وضعیت به انزوای فزاینده، ناامیدی بیشتر، واگرایی، و اتمیزه‌تر شدن جامعه منجر می‌شود. باید هشیار و خلاق بود. پیدا نیست جامعهٔ ایران تا هنگام تحت تأثیر مستقیم ویروس کرونا باز خواهند ماند و مدنیت در تعلیق به سر خواهد برد، اما باید به صیانت و حفاظت از دستاوردها و امادگی های مدنی پرداخت و مانع از تحلیل رفتن مدنیت در این شرایط شد.

مصاحبه نسیم جنوب با علی ایزدجو استاد خوشنویسی استان بوشهر:

حال خوشنویسی در بوشهر خوب است



– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی بفرمایید؟

– علی ایزدجو هستم متولد شهریور ۱۳۵۴ در شهر بوشهر از سال سوم دبستان وارد مقوله ی هنر شدم ولی خوشنویسی را به صورت حرفه ای از سال ۷۲ با انجمن خوشنویسان بوشهر شروع کردم.

– خوشنویسی را از چه سالی شروع نمودید و از محضر کدام یک از اساتید بهره بردید؟

– از سال ۷۲ به صورت حرفه ای شروع کردم. در بوشهر اولین استادم که از بنیانگذاران انجمن خوشنویسان بوشهر بود استاد احمد پناهی و اصالتا تهرانی بودند. کمتر از یک سال در خدمت ایشان بودم و ایشان به تهران منتقل شدند بعد از آن از محضر استاد حسن هلالات بهره بردم و بعد هم از استاد سعید میمنی که در حال حاضر در خدمت ایشان هستم و از دوستان خوب من هستند.

– چطور شد که از بین هنرهای مختلف به خوشنویسی علاقه‌مند شدید؟

– در خانواده ی ما کلاً یک فضای هنری وجود دارد از مادر گرفته که طراحی فرش، نقاشی و یا هنرهای دیگر مثل بافتنی و گلدوزی کار می کردند یا خواهر بزرگترم که ایشان لیسانس ادبیات فارسی داشتند در بحث شاعری هم بودند در منزل ما بحث شعر و شاعری بود و به خاطر همین من غیر از فعالیت های موسیقی و تئاتر که در مدارس انجام می گرفت به هنرهای خوشنویسی، نقاشی و هنرهای تجسمی علاقه داشتم و حتا قبل از این هم من چند سالی تابلوسازی کار می کردم و با این محیط آشنایی کامل داشتم و از آن جایی که خیلی به این رشته علاقمند بودم به صورت تخصصی تر خوشنویسی را ادامه دادم. در کل محیط خانواده خیلی تاثیر داشت و به من کمک کردند تا به صورت جدی تر به این مقوله بپردازم.

– به عقیده شما آیا خوشنویسی هنری ذاتی است یا اکتسابی؟ تعلیم چقدر در خوشنویس شدن یک فرد موثر است؟

– از قدیم خیلی از اساتید می گفتند که خوشنویسی هنری ذاتی است و قطعا در هر هنری شما تا پشتکار نداشته باشید یا استعداد لازم و پیگیری ها و مرارت های کاری را نداشته باشید موفق نیستید به نظر من استعداد ذاتی تنها فایده ندارد و باید از اساتید مختلف بهره ببریم. خیلی از کارهای خودم به شخصه در نقاشی و خط با پشتکار تجربی به دست آوردم. نکاتی را از بعضی از اساتید استفاده می کنم و آموزش و مراحل آکادمیک خیلی مهم است این که به صورت مستقیم زیر نظر استادی کار می کنیم این برای پیشرفت ما خیلی لازم است. ولی من خودم تحصیلات دانشگاهی در زمینه هنرهای تجسمی ندارم ولی در مکان های مختلف کار کردم و یا در ورکشاپ های مختلف شرکت کردم و با اساتید معتبر ایران در رشته های خوشنویسی، نقاشی و رشته های تجسمی در ارتباط هستم ولی تا از محضر اساتید که صاحب فن هستند استفاده نشود به آن علاقه مندی هایی که بخواهیم برسیم دیرتر می رسیم و بعضی از دوستان هستند که خیلی زحمت می کشند ولی چون راهنما ندارند یا کسی که نقاط خاص را به آنها بگوید، فضای هنرهای تجسمی را کنار گذاشتند.

– به عنوان یک هنرمند خوشنویس که حتما در طول روز با اشعار و کلمات بزرگان سر و کار زیادی دارید؛ رابطه میان ادبیات و هنر خوشنویسی را در فرهنگ ایرانی چطور ترسیم می‌کنید؟

– در طول روز با ادبیات کهن و اشعار نو چه به صورت نظم و چه نثر در ارتباط هستیم و ارتباط بسیار عمیقی بین این دو وجود دارد. مقوله ی ادبیات و خوشنویسی مقوله ی بزرگی است و خیلی از بزرگان ایران روی این مقوله کار کردند. کتابهای بسیار زیادی در این زمینه وجود دارد. در خوشنویسی از متون زیبای ایرانی چه کهن و چه نو استفاده می کنیم و این خود باعث می شود که روز به روز خیلی از جنبه هایی که در خود هنرمند بر اساس برخورد با این اشعار و متون که مرتب با اینها سرو کار داریم به وجود آید. بالاخره در نوع برخورد با اجتماع و نوع برخورد با جامعه این تاثیرگذاری خیلی زیاد است که ادبیات در بطن هنر ما است و قطعا از طریق نمایشگاهها و از طریق صحبت های هنرمندان به بطن اجتماع راه پیدا می کند و این کمک می کند که چرخه ی ادبیات در اجتماع بچرخد. هر چند که خود ایرانی ها همیشه ثابت کردند رابطه ی خیلی خوبی با ادبیات دارند و از بچه ی ابتدایی گرفته تا پیرمرد ۹۰ ساله بدون شک تمام سیستم صحبتی آنها خواناخواه چه به صورت شیوا و چه به صورت دست و پا شکسته، تکه هایی از ادبیات در آن وجود دارد و رابطه ی بین هنر خوشنویسی و ادبیات ریشه ی قدیمی دارد و لاینفک هستند و این دو هنر همیشه در کنار هم وجود دارند.

– با توجه به اینکه نستعلیق را عروس خطوط اسلامی لقب داده‌اند و خطی در کمال اعتدال و توازن است، جایگاه خط شکسته را چطور می‌بینید؟

– در کل در کنار خط نستعلیق که خط بسیار زیبا و ایرانی شکسته نستعلیق وجود دارد که به گسترش هنر ادبیات و متون بجا مانده از گذشتگان خیلی کمک کرده است و در کنار خط نستعلیق بسیار خط شیوا، ماندگار و زیبایی است و به نظر من رقصی که خطوط شکسته نستعلیق روی صفحه توسط هنرمند به نمایش می گذارد نقشی بی بدیلی است و ساعتها می توان از زیبایی خط شکسته نستعلیق لذت برد و طی فنون مختلف به جایگاه بسیار زیبایی رسیده است و توسط اساتید بزرگ کار می شود و به نسل های بعدی نیز منتقل می شود.

– در هنرهایی مثل موسیقی، برخی از اساتید معتقدند تا هنرمند با ساز خود به وحدت نرسد، نمی‌تواند در حد کمال و بلوغ بنوازد، آیا می‌توان در خوشنویسی هم به چنین امری قائل بود؟

– به نظر من مثل موسیقیدانی که با ساز خود کار می کند ولی می تواند با ساز دیگر هم کار کند و ما هم می توانیم با وسایل دیگر هم کار دیگر انجام دهیم و کما این که در این دوران همه چیز ما مختص به قلم نمی شود و خیلی وقتها شده است به آن چیزی که می خواهیم و یا نیاز داریم و نوع کاربردی که می خواهیم از خوشنویسی در تابلو انجام دهیم حتی از یک تکه ی چوب شکسته که از درخت در خیابان جدا می کنیم آن را درست می کنیم و با آن کار می کنیم کمک می کند ولی به نظر من به طور صد در صد این طور نیست و می شود با کارهای مختلف نواقصی که وجود دارد پوشانده شود.

– آیا شما هم قائل به خاصیت‌های مفهومی ویژه‌ای برای حروف الفبا هستید؟ و به آنها از جنبه‌های نمادین نیز توجه می‌کنید؟

– در زمینه ی کلی حروف الفبا قطعا حروفی که از قدیم مانده است و بعضی از حروف الفبا مفاهیم خاص خودشان را دارند و چه در کتب عرفانی و چه در کتب دینی و حتا در اشعار کهن مکتوب شده است و بلاخره این حروف جایگاهی در کار دارند و خیلی از این حروف هم مفهوم اجتماعی دارند و نمونه های زیادی هم وجود دارد مثلا کلمه ی هو که از دو کلمه ه و واو تشکیل شده است این مخفف کلمه ی خداوند است و حتی در خیلی از کتابهای عرفانی حرف ه به تنهایی بیایید باز همان معنا را دارد باز کلمه ی الله همین می شود و قطعا در نوشتار بسیار متفاوت است. ساختار شکلی حروف در نوشتن خیلی موثر است و خیلی از کارها را می توانیم انجام دهیم مثل ب بسم الله مخفف تمام قرآن و دربرگیرنده ی تمام قرآن می شود و همان نقطه در



هنرهای تجسمی بسیار اهمیت دارد نقطه و خط از این نظر هر کدام از حروف جایگاه ویژه خود را دارند.

– پیشرفت خوشنویسی در دو دهه اخیر در بوشهر چگونه بوده است؟

– اساتید خیلی خوبی در بوشهر وجود دارد و انجمن خوشنویسان اساتید بسیار خوبی دارد و غیر از انجمن خوشنویسان دوستان دیگری هم هستند که فارغ التحصیل انجمن خوشنویسان شدند و یا خودشان به صورت آکادمیک در جاهای دیگر کار کردند و در کل بحث خوشنویسی امروزه به تنهایی مطرح نیست و نقاشی خط هم وجود دارد که در کنار خوشنویسی وجود دارد که شاهد نمایشگاههای مختلف خوشنویسی هستیم که به نوعی به روندی که در هنر خوشنویسی است کمک می کند ولی اگر خوشنویسی را خیلی سنتی در نظر بگیریم که با قلم نی و مرکب و روی کاغذهای گلاسه خاص دست ساز می باشد که چیزی که از قدیم باقی مانده است به نظر من خوب است ولی احساس می کنم از نظر برگزاری نمایشگاهی کم داریم نمایشگاه برگزار می شود چه به صورت انفرادی و یا گروهی ولی احساس می کنم خیلی از خوشنویسان بوشهر می توانند با هم بیشتر کار کنند و نمایشگاههای مختلف برگزار کنند و خوشنویسان خوبی در سطح استان وجود دارد یا حمایت نمی شوند و یا متاسفانه اختلاف نظرهایی بین آنها به وجود می آید نمی توانند با هم همکاری کنند ولی در کل حال خوشنویسی در بوشهر خوب است که امیدوارم این اختلاف نظر و این گردهمایی خوشنویسان بیشتر باشد چون خوشنویسی بخش های مختلفی را در برمی گیرد.

– استقبال مردم بوشهر از هنر خوشنویسی چگونه است؟

– استقبال دو بخش دارد یک بخش که جنبه ی آموزش است که متاسفانه خوشنویسی هم مثل بقیه ی هنرها و نیازمندی های امروز جامعه ما نیازمند به تبلیغات بسیار خوبی است و درست است که هنر خوشنویسی نسبت به بعضی از هنرهای دیگر بیشتر احساس شود یا خود مردم دوست داشته باشند خط زیبایی داشته باشند و کار بکنند و بعضی ها در مؤسسات و کلاس های آموزشی چه به صورت خصوصی و چه به صورت گروهی در آموزشگاهها حضور پیدا می کنند. ولی متاسفانه بخش تبلیغات آن خیلی کم است زیرا جاهایی که من خودم کار می کنم یا دوستانمان کار می کنند واقعا دیده می شود که بیشتر تبلیغات ما به قول قدیمی ها سینه به سینه گفتن شده است شاید در تعطیلات تابستان کاری انجام شود ولی واقعا تبلیغات در زمینه هنر کم است و هر چقدر هم بگوییم هنر مظلوم است بعضی ها شاید این نظر را نداشته باشند ولی در زمینه ی آموزش هنر خوشنویسی مظلوم است و بخش دیگری از استقبال به نمایشگاهها برمی گردد به صورت انفرادی و گروهی نمایشگاه برگزار می کند وقتی نمایشگاه به صورت مرتب و منظم و به صورت سالانه هنرهای مختلف چه به صورت انفرادی و چه به صورت گروهی برگزار کنند. حتا نمایشگاههای خط تحریری چه به صورت تلفیقی و چه به صورت مستقل وجود دارد و قطعا با تبلیغات بهتر می تواند نتیجه ی بهتر دهد و چون شاهد نمایشگاههای مختلف هستیم و حتا نمایشگاههایی که من خودم برگزار کردم استقبال مردم زیاد است و حتا کسانی را می دیدم که سررشته یی از خوشنویسی ندارند ولی خیلی دوست دارند و از نمایشگاههای ما دیدن کردند و یا در شبکه های مجازی تبلیغ کردند و جذب کلاسها و مؤسسات شدند و این به نظر من در این دو بخش خلاصه می شود ولی در کل استقبال خوب است ولی روز به روز امسال دریغ از پارسال است و قطعا در کلاس های آموزشی که من آموزش دارم می بینم که استقبال مردم و مخصوصاً خانواده از این خط خیلی پرکاربرد است و حتا در مقاطع تحصیلی می توانند از آن استفاده کنند و حتا بالاتر ولی متاسفانه بیشتر به سطح معیشت مردم برمی گردد زیرا کلاسها هزینه بر هستند هم هزینه ی مادی و هم هزینه ی زمانی. خصوصاً امسال با توجه به وضعیت معیشت این استقبال کمتر شده است و استقبال در نمایشگاهایی که مطرح باشد خوب است ولی استقبال در کلاس های آموزشی کمتر شده و نه این که مردم دوست نداشته باشند ولی هزینه های این کلاس ها باعث استقبال کم مردم شده است. و این باعث می شود که آن استقبالی که باید صورت بگیرد علی رغم این که خیلی نیاز است مخصوصا قشر دانش آموز ما، نبود ساعت های هنر و نبود هنر در مدارس که یک معضل می باشد و با توجه به این که نیاز دارند ولی متاسفانه امسال نسبت به سال های گذشته استقبال کمتر شده است.

ادامه دارد...

شوخی پنداری کرونا، استقبال از مرگ

بوشهر- ایرنا- با وجود وضعیت قرمز شیوع کرونا در استان بوشهر، هشدارها، اخطارها و اطلاع رسانی‌های فریادگونه اما گویی برخی مردم باور ندارند یا نمی‌شنوند که مرگ پشت در خانه در کمین آنها است و این بیماری کشنده را به شوخی گرفته‌اند و می‌گویند" تا خومان نگرفته‌ایم، باور نمی‌کنیم".

در شرایطی که براساس آمارها هر ۹ دقیقه یک نفر در اثر ابتلا به بیماری کرونا در کشور جان می‌دهد، مردم باید توصیه کارشناسان، پزشکان، پرستاران و مسئولان در زمینه رعایت فاصله اجتماعی و استفاده از ماسک را جدی بگیرند تا جلوی افزایش کشتار این ویروس گرفته شود.

هرچند استان بوشهر از جمله آخرین استان‌های درگیر با ویروس کرونا بود اما امروز در زمره استان‌های قرمز کشور قرار گرفته و روز سه شنبه هفدهم تیرماه با هشت کشته مجموع جان باختگان آن بر اثر این بیماری به ۱۲۷ تن رسید و شمار مبتلایان این استان نیز روزانه سه رقمی شده است.

اما در این شرایط هنوز در این استان شهروندانی هستند که با برپایی دورهمی‌ها، مجالس شادی و میهمانی و بساط قلیان و غیره با کرونا شوخی می‌کنند و این بیماری را جدی نمی‌گیرند و می‌گویند تا "خودمان نگرفته‌ایم، باور نمی‌کنیم".

این افراد کافی است برای چند لحظه پای صحبت‌های بیماران مبتلا شده به کرونا، خانواده جان باختگان بر اثر این بیماری و کادر درمانی درگیر با این بیماری بنشینند، شاید تلنگری باشد تا با جدی گرفتن موضوع اهتمامی جدی و همگانی برای قطع زنجیره انتقال ویروس کرونا ایجاد شود.

رفتن تا دم مرگ به قیمت شرکت در یک جشن تولد

یکی از بیماران بهبود یافته کووید ۱۹ در بوشهر از مردم خواست به توصیه‌های بهداشتی توجه کنند زیرا این بیماری با کسی شوخی ندارد و براحتی حتی هر فرد سالمی را درگیر می‌کند و دم مرگ می برد.

این فرد که خواست نامش در خبر فاش نشود گفت: پس از گذشت چند روز از شرکت در یک جشن تولد دچار بدن درد و تب شدم در ابتدا تصور کردم که سرما خورده‌ام چند روزی در خانه ماندم اما متوجه شدم که سرفه‌های شدید و تنگی نفس طاقتم را سرآورده و خود را به بیمارستان رساندم که بعد از بررسی علائم و گرفتن یک سری آزمایش ۲۵ پنج روز در بیمارستان بستری شدم.

وی اظهار داشت: هرچند با مراقبت خوب پرستاران بخش کرونا، حال عمومی من خوب شد و با همکاری خانواده ۱۴ روز نیز دوران قرنطینه را پشت سر گذاشته‌ام اما این تجربه برای من باقی ماند که نباید با برخی بیماری‌ها شوخی کرد زیرا به همین سادگی در آستانه مرگ قرار گرفتم.

خستگی کادر درمان از کشتار کرونا در سایه شوخی پنداری مردم

یکی از پرستاران بخش کرونا بیمارستان‌های بوشهر گفت: هرچند خستگی کار در این شرایط برای فعالان بخش بهداشت و درمان وجود دارد اما آنچه بیش از همه چیز بر ما فشار می‌آورد افزایش روند فوت بیماران مبتلا به ویروس کووید ۱۹ است.



لیلا آزادی افزود: این درحالی است که این افراد تنها با جدی گرفتن خطر کرونا رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی می‌توانستند امروز در کنار خانواده خود باشند.

یکی دیگر از پرستاران بخش کرونا گفت: اکنون پنج ماه است که تمام کادر بهداشت و درمان درگیر بیماری کرونا هستند و همه خسته شده‌اند از مردم خواهش می‌کنیم بیشتر در خانه بمانند و در اماکن عمومی با ماسک حاضر شوند.

مرتضی امیر زاده افزود: مردم بدانند مدافعان جبهه سلامت تا آخرین روز شیوع این بیماری در کنار آنان هستند اما از بین رفتن بهترین همکاران ما درکشور به دلیل ابتلا به ویروس کرونا بسیار غم انگیز است.

وی بیان کرد: مردم اگر ذره‌ای به کار و خدمت مجموعه بهداشت و درمان اعتقاد و اعتماد دارند در خانه بمانند و به این وسیله به این مجموعه کمک کنند.

یکی دیگر از پرستاران بخش کرونا گفت: به دلیل شیوع ویروس کرونا و ترس از انتقال آلودگی چند ماه است که خانواده‌ام را ندیده‌ام.

وی اضافه کرد: در این شرایط سخت آب و هوایی و گرمای طاقت فرسای بوشهر پوشیدن لباس‌های حفاظتی برای ساعت‌های طولانی بسیار سخت است اما با این وجود پرستاران و پزشکان این سختی را به جان خریده و با تمام وجود به مردم خدمت رسانی می‌کنند و درقبال آن از مردم انتظار دارند با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی و جدی گرفتن ویروس مهلک کرونا به خود، خانواده، جامعه و کادر درمان رحم و کمک کنند.

ابتلای ۱۴۰ نیروی بیمارستان شهدای خلیج فارس بوشهر به کرونا

رئیس مرکز آموزشی درمانی شهدای خلیج فارس بوشهر گفت: این مرکز از ۱۰ اسفند ۱۳۹۸ به عنوان مرکز پذیرش و درمان بیماران مشکوک و مبتلا به کووید ۱۹ انتخاب شد و تاکنون خدمات عمومی، تخصصی و فوق تخصصی به مردم استان ارائه داده‌است.

دکتر عاطفه اسفندیاری افزود: در زمان حاضر با توجه به نیاز مردم استان به دریافت خدمات تخصصی و فوق تخصصی و اینکه تعرفه خدمات در این مرکز دولتی است و میزان پرداخت از جیب مردم در این مرکز پایین است، این مرکز علاوه بر ارائه خدمات مربوط به درمان کووید ۱۹، به ارائه خدمات فوق تخصصی مورد نیاز مردم نیز می‌پردازد.

وی اضافه کرد: آمار بستری‌های کنونی کرونا در بیمارستان شهدای خلیج فارس بیش از ۱۳۰ نفر است و ۱۹ نفر نیز در بخش مراقبت‌های ویژه تحت مراقبت هستند.

اسفندیاری اظهار داشت: از ابتدای دوره بحران کووید ۱۹ تاکنون بیش از پنج هزار نفر به تریاژ اولیه بیمارستان مراجعه کرده‌اند که از سوی پزشکان عمومی، متخصص طب اورژانس، پزشک متخصص عفونی و پزشک متخصص داخلی ویزیت شده و در صورت نیاز از خدمات مشاوره سایر متخصصان و پزشکان فوق تخصص بهره گرفته شده‌است.

وی ادامه داد: از این تعداد بیش از یکهزار و ۳۰۰ نفر نیز دربخش‌ها بستری شده‌اند و تاکنون بیش از ۸۵ درصد با حال عمومی خوب ترخیص وبقیه درحال بستری و دریافت خدمات درمانی هستند و دربین بیماران مبتلا به کووید ۱۹ که جواب آزمایش آنها مثبت شده بود، ۳۱ نفرفوت کرده‌اند که بیشتر دارای بیماری زمینه‌ای بوده‌اند.

وی ادامه داد: همچنین تاکنون بیش از۱۴۰ نفر از کارکنان بیمارستان شهدای خلیج فارس شامل پزشکان، پرستاران، پیراپزشکان، کارکنان اداری،نیروهای خدماتی و نگهبانان این مرکزبه بیماری کرونا مبتلا شده‌اند.

وی در باره کمبود نیرو گفت: باتوجه به خستگی نیروها و افزایش ظرفیت تخت‌های بستری و آی سی یو، رایزنی‌های لازم با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای گرفتن مجوزهای لازم برای جذب نیرو ازسوی دانشگاه علوم پزشکی صورت گرفته است.

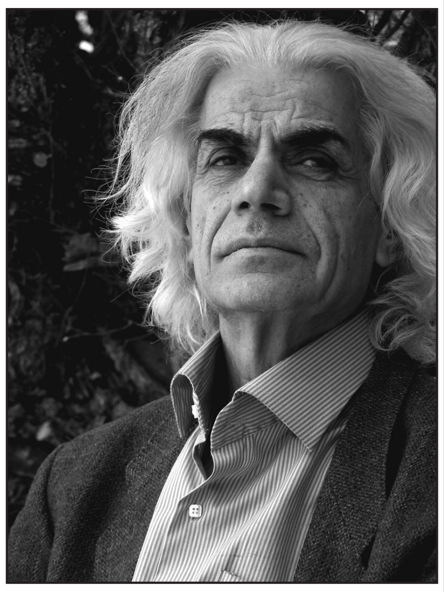
کرونا نباید عادی سازی و به شوخی گرفته شود

رئیس دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: بیماری کرونا خسارت زاست و در صورت رعایت نکردن دستورالعمل‌های بهداشتی می‌تواند خسارت‌های زیادی را به بار آورد.

وی با اشاره به مرگ ۱۲۷ نفر از مردم استان بوشهر در اثر ابتلا به ویروس کرونا گفت: در چند روز گذشته روزانه هشت نفر در اثر ابتلا به ویروس کرونا در این استان جان باختند که این شمار برای استان بالا است و تنها با استفاده از ماسک و رعایت فاصله اجتماعی و بهداشت فردی می‌توان از شیوع هرچه بیشتر این بیماری پیشگیری کرد.

کشمیری تاکید کرد: هرچه تعداد افراد آلوده به ویروس کرونا افزایش یابد، احتمال بستری و به دنبال آن مراقبت‌های ویژه و مرگ نیز افزایش می‌یابد پس باید چرخه انتقال بیماری با همت مردم شکسته شود تا شاهد خسارت بیش از این نباشیم.

انعکاس باباچاهی در «دری به اتاق مناقشه»



نشر نگاه مجموعه‌ای از گفت‌وگوهای مطبوعاتی علی باباچاهی، شاعر و نظریه‌پرداز سرشناس شعر معاصر، را منتشر کرده است.

کتاب «دری به اتاق مناقشه» که از سوی نشر نگاه منتشر شده است، دربرگیرنده منتخبی از گفت‌وگوهایی است که جراید و مطبوعات طی ۳۷ سال اخیر با علی باباچاهی انجام داده‌اند.

این مجموعه می‌تواند تصویر پیوسته و روشنی از عملکرد این شاعر و همچنین افکار و عقاید ادبی‌اش به دست دهد. به عبارت دیگر، علاقه‌مندان می‌توانند با خواندن این کتاب، چکیده‌ای از مسیر شعری این شاعر نام‌آشنا را مرور کنند.

به گفته‌ی شاعر، این کتاب ناظر بر تمامی تحولات وتغییرات در شعر معاصر پس از انقلاب است و تصویری از تمام جریان‌های شعر نو ایران در لابه‌لای این گفت‌وگوها آمده است.

وی گفت: «مصاحبه‌های کتاب «دری به اتاق مناقشه» به‌گونه‌ای در کنار هم قرار گرفته‌اند که پیوستگی ساختاری را تا آخر کتاب حفظ کنند. به این معنا که گفت‌وگوها بنا به تاریخ انتشار نیامده و سعی کرده‌ام، مسیر روند تحول و تغییرات را دربرگیرد. به‌طور قطع از منظرهای مختلف این مصاحبه‌ها شبیه به یکدیگرند؛ اما در این کتاب مصاحبه‌هایی درج شده که تمامی جریان‌ها، طرح مباحث، درگیری‌ها، جهش‌ها، ابداع و خلاقیت‌ها، رکودهای موقتی و بحران‌ها به تناوب به میان آمده است.

دری به اتاق مناقشه را از ما بخواهید.

بوشهر، خیابان بعثت، کافه‌کتاب پاتیزه ۰۷۷۳۳۵۴۰۵۰۰

هفته نامه
نسیم جنوب
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷- ۳۳۳۲۵۹۰۰
۰۷۷-۳۳۲۸۱۵۱

آگهی تغییرات

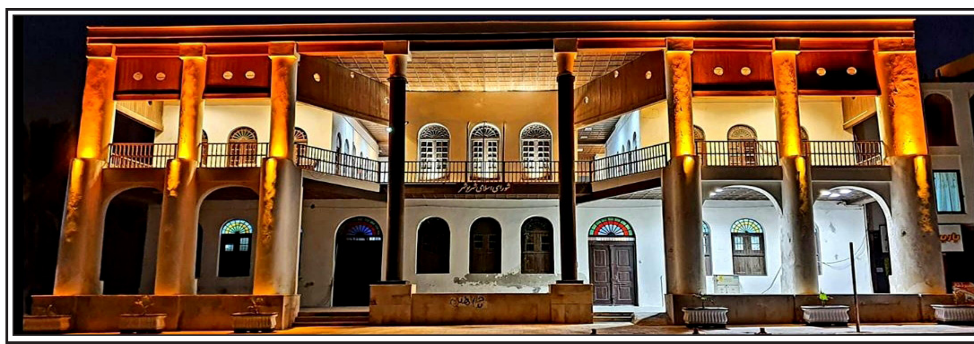
آگهی تغییرات شرکت باربر دریایی بوشهر شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۴۹۰ و شناسه ملی ۱۰۹۶۰۰۳۶۸۳۸ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۸/۰۳/۱۸ و نامه شماره ۹۸/۷۵۵۲-۵ -۹۸/۳/۱۹ اداره کل حمل و نقل جاده ای استان بوشهر تصمیمات ذیل اتخاذ شد : الف) - سمت اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل : الف)-آقای وحید نجفی بشماره ملی ۲۳۶۰۱۶۸۹۱۶ به سمت رئیس هیئت مدیره - آقای محمدابراهیم نجفی بشماره ملی ۲۳۷۰۹۱۸۴۰۳ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره - آقای عبدالصمد نجفی بشماره ملی ۲۳۷۲۳۵۹۲۴۱ به سمت عضو هیئت مدیره - آقای عبدالحمید نجفی بشماره ملی ۵۴۷۹۷۵۷۴۶۶ به سمت عضوهیئت مدیره - آقای چمران جهانیان بشماره ملی ۲۳۷۲۶۶۱۹۶۵ به سمت مدیرعامل (خارج از سهامداران) تعیین گردیدند . ب)- کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها و عقوداسلامی با امضاء مدیرعامل بصورت ثابت و یکی از اعضای هیات مدیره متفقاً همراه با مهر شرکت و سایر نامه های عادی و اداری با امضاء آقای وحید نجفی (رئیس هیئت مدیره) همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری کنگان (۹۰۷۹۲۴)

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱
هفته نامه نسیم جنوب،
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

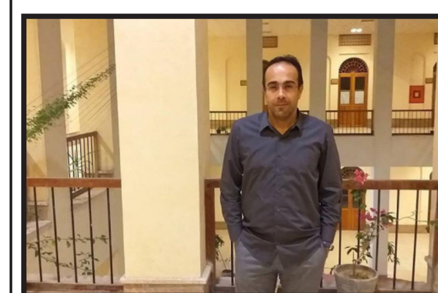
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
نسیم جنوب
nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰-۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



چرخه دانایی، ضرورت گذار تاریخی

عبدالخالق ماجدی



یکی از سنت های عقلانی وزارت امور خارجه کشورها این است که پس از اتمام ماموریت سُفرا می بایست تجارب و اطلاعات مختلف پیرامون کشور میزبان در دفاتر ویژه ثبت و مکتوب گردد و مجموعه این اطلاعات برای سفیر جدید که الزام به خواندن این دفاتر دارد، گنجینه گرانبهایی محسوب می شود.
چند دهه است که تغییرات مدیریتی کشور در سطح کلان و خرد دنبال می کنم و متاسفانه هیچگاه شاهد اجرای این الگوی عقلانی بصورت تدوین تجارب بعنوان یک سند راه نما و راه گشا، نبوده ام.
چند روز پیش به شهردار سابق بوشهر که دکترای شهرسازی و معماری دارد و به دانشگاه و فضای علمی و آکادمیک برگشته است پیشنهاد دادم که تجارب اجرایی و چالش های حوزه ی مدیریت شهری خود را بصورت مقالات مکتوب در رسانه های مختلف منتشر کند تا زمینه ای برای طرح مباحث کارشناسی بین متخصصان و نخبگان مهیا شود. تقریبا دویست و پنجاه روز دیگر ما وارد قرن جدید خواهیم شد! قرن چهاردهم شمسی را با رضاخان پهلوی و شرایط خاص ناپایدار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شروع کردیم و پایانش هم که با شدیدتر شدن تحریم ها،تلاطمات ارزی، اپیدمی کرونا و کاهش سرمایه های اجتماعی همراه شده است.
با فرموله کردن و نگاه ریاضی به ادوار تاریخ موافق نیستم که شاید محصول مطالعات و توجه و نگاه ویژه ام به تحولات و توسعه اجتماعی در دهه ی پنجم زندگیم باشد ولی تعدادی از تاریخ دانان نظیر پیتر تورکین که علاقمند به کاربرد ریاضیات در تاریخ شناسی تحت عنوان کِلیودانیامیک هم هست، معتقدند ما در بررسی تاریخ با چرخه های پنجاه ساله ایی بنام چرخه "پدر-پسر" مواجهیم. به این مضمون، پدران؛ بعنوان نسل اول، طی پنجاه سال درگیر جنگ و خشونت بوده اند و در پنجاه سال بعدی با پسرانی بعنوان نسل دوم مواجهیم که دارای خصوصیات نفی خشونت و تمایل به صلح ورزی و مدارا می باشند. ولی در شروع چرخه ی بعدی، نسل سومی هایی؛ نوه هایی، خواهیم داشت که فضای خشونت و آشوب پدربزرگان خود را درک و لمس نکرده اند و احتمال بازآفرینی دوران شوم نابسامانی و هرج و مرج بخصوص در شرایط ناپایداری عام، وجود دارد.
برای عدم تحقق چرخه ی تاریخی پدر- پسر و بهبود حکمرانی و پایدار کردن یک جغرافیا و یک جامعه، راهکارهای متنوعی البته نه چندان سهل الوصول و قریب الوصول، در تمام زمینه ها وجود دارد. بطور مثال سیاسیون معتقد به چرخش نخبگان، وجود انجمن های مدنی، احزاب مختلف، شایسته سالاری، گفتمان مدارا و تساهل و اقتصاددانان قائل به رشد اقتصادی، تقویت و نقش بخش خصوصی و کاهش نقش و عدم مداخله دولت در بازار هستند.
در عصر حاضر در تمام ابعاد حکمرانی، اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی، پارامترها و شاخص های شفافی وجود دارد و ارتباط این شاخص ها با چرخش ها و فراز و نشیبهای تاریخی هر سرزمین بسیار متقن و بلادعوی است.
پیشنهادم به شهردار سابق بوشهر و دیگران مدیران اجرایی محلی و کشوری، راه اندازی گفتمان و چرخه ی دانایی هست. با نوشتن چالش ها و مشکلات اساسی حوزه ی کاری و تجمیع و تثبیت و تدوین این تجارب، قطعا نتیجه درازمدتش این خواهد بود که چرخه هیجان و چرخه ی سعی و خطا و رفتن در جاده های تاریک و بی سرانجام قطع خواهد شد و به کارآمدی مدیریت و بهبود شاخص ها و شکوفایی استعدادهای جوان مدیریتی کشور کمک شایانی خواهد کرد.
اشتراک دانایی و کمک به راه اندازی چرخه دانایی و ارزش افزوده خلق شده، بالاترین رسالت و وظیفه فعلی مدیران نیمه دوم قرن چهاردهم بعنوان نسل دوم/پسران است.
نویسنده، قریب به نیمی از این قرن در حال غروب را دیده و متاسفانه با دیدن کاهش شاخص رشد جمعیت ایران در سال نود و هشت به زیر یک که برای اولین بار در تاریخ مستند سرشماری آمار جمعیت کشور اتفاق افتاده و رسیدن شاخص تیراژ کتابها به دویست یا سیصد نسخه در پایان این قرن پرهیاهو و پرهیجان و پرحادثه، برای پایداری سرزمینم در شروع قرن نوه هایم، بسیار بیمناکم و دیدن طلوع زیبایی از قرن جدید، نیازمند دل سوزی، هم دلی،تعقل و تدبیر و یا در یک کلمه نیازمند "دانایی" تمام بازیگران و تماشاگرانش خواهد بود.

نگذارید زمین چمن شاهین هم نابود شود!

رضا سیاهوشی

دیگر کمتر کسی هست که در جریان ساختمان و زمین چمن باشگاه شاهین نباشد.
هرچند که هنوز برای بسیاری جای تعجب دارد که چرا در قبال طلب شاکی خصوصی باشگاه که فقط دادن حق امتیاز تیم بود اما این دو مورد هم در اختیار وی قرار گرفت !!!
میدانیم که عقب نشینی ، فرار از جریانات پیش آمده ، شانه خالی کردن از مسئولیت و ... حضرات تصمیم گیرنده در باشگاه باعث شد که به نوعی بطور عجیب و سالها این دو مکان از دست باشگاه خارج گردد.
اما از طرفی هم اصلا نمی توان پذیرفت که طلب شاکی پرداخت نگردد و یا حق و حقوقش پایمال گردد .
اما حال مقصر هر که بوده یا حق با هر کی هست ، وضعیت و شرایط زمین چمن باشگاه بسیار نگران کننده هست زیرا دیگر هیچ کس حاضر به رسیدگی به آن نیست و بقولی به امان خدا رها شده است!
زمینی که جاودان مردی به نام حاج رضا عبدالله زاده با سال ها دوندگی و پیگیری و رفت و آمدهای بسیار به مرکز توانست مجوز آن برای باشگاه شاهین بگیرد و با ایثار و خون دل خوردن و رو زدن به کس و ناکس آن را از ویرانه به آبادی مطلق رساند و نعمت داشتن آن باعث غرور و قشنگی نام و اعتبار باشگاهی شد که ۶ دهه سابقه داشت، چرا امروز چنین مورد بی مهری محض قرار گرفته است؟!
یادمان نخواهد رفت که بیشتر تیم های لیگ برتری که جهت انجام مسابقه به بوشهر می آمدند، در همین زمین تمرین می کردند.
و همه می دانیم که هنوز دو تیم آبی و قرمز پایتخت در آرزوی داشتن زمین اختصاصی به نام باشگاه خود هستند !
و هیچ وقت نمی توان فراموش کرد که زمین گارد هلالی (سپاهان)، سکان جفره، دارایی، جم، امید، توحید و ... چقدر در شکوفایی بازیکنان و معرفی استعدادها موثر بودند و به لحاظ روحی، سرگرمی، تفریح و ورزش بسیاری از جوانان علاقمند را مشغول و تشویق و ترغیب به فوتبال می کرد .



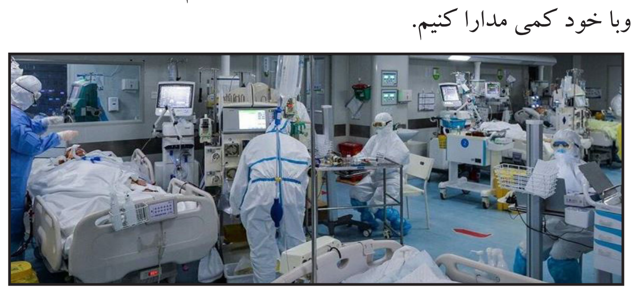
متاسفانه زمین چمن باشگاه ایرانجوان با بی تدبیری محض از بین رفت و اکنون آن جا بسان متروکه ای گشته و حال نیز همان روزگار دارد برای زمین چمن شاهین اتفاق میافتد که اگر مدیریت سازمان ورزش و جوانان در این زمینه کوتاهی نماید و فکر نجات آن نباشد، ضربه جبران ناپذیری به فوتبال بوشهر و نسل آینده این ورزش وارد خواهد کرد.

کرونا آرام تر؛ ما ملت تحریمیم

دکتر سجاد بهزادی



یکی نیست به کرونای نحس این روزهای ما بگوید در اوج تحریم وتهدید، چه وقت شکستن رکورد مرگ بود و پنجه در پنجه انداختن با ملتی که زیر سایه ی تحریم سالهاست روزهای زندگی اش به مثابه مرگ می گذرد.کرونا به ریه های ما چنگ انداخته است و حالا ما رکورد دار مرگ شدیم.کاش کرونا می دانست ما ملت تحریمیم و این قدر سزاوار فشار مضاعف و شماره افتادن نفس ها ومرگ های پیاپی نیستیم.
کاش کرونا می دانست حال و روز این روزهای خانوار ایرانی خوب نیست و در وضعیت سخت معیشت خود به واسطه تحریم ها،مدارای نجیبانه ای با فقر دارد و در بستر نا امیدی زندگی اش کم فروغ تر از همیشه می گذرد.
کرونا نمی داندچون ما نمی دانیم .اگر امروز به خاطر تحریم ها ؛ بیکاری و التماس تکه ای نان، سراسیمگی و ناامنی های روحی و مالی فراوان ، در جامعه وجود دارد ما نیز حاضر نیستیم ماسک بر صورت بگذاریم واضافه بر داشته هایمان را به همسایه قرض بدهیم وفاصله گذاری اجتماعی را نیز جدی بگیریم.
کرونا نمی داند چون ما نمی دانیم .اگر ترامپ از بیرون از این سرزمین آن گونه که رئیس جمهور تعبیر کرد" چکمه هایش را در مسیر حق خواهی های ما " گذاشته است ما نیز، با بی تفاوتی نسبت به کووید ۱۹ زندگی را از درون به شماره انداخته ایم.
کرونا نمی داند چون ما نمی دانیم. گفته می شود بیشتر مرگ ها امروز نتیجه مسافرت ها ومراسم های غیر ضروری دیروز بوده است. در این وضعیت افسار گسیختگی دلار و تاثیر آن بر هرآنچه که فکرش نمی کنید، بی خیالی برای عده ای همچنان پابرجاست.مسافرت می روند، جشن می گیرند ودر نهایت هم به عزا می نشینند.
کاش تنها غم نان بود.غم اخلاق نیز هست. وقتی که در کمین هم، شب را و روز را دوره می کنیم. غم بی اعتنایی و بی اعتمادی نیز هست.وقتی که آمار های آسیب های اجتماعی درجامعه به وحشت مان نمی اندازد.
خدا کند در شکستن رکورد مرگ، بی خیالی ما هم اندکی ترک بردارد وبا خود کمی مدارا کنیم.



زمردی در قواره انسانیت

به یاد شهید سلامت استان بوشهر دکترخضر خلیلی

حسین روئین



خضر ، گویا آب حیاتِ خوشرویی از پیامبر هم نامش گرفته بود!!!
اخم آرزو داشت فقط یکبار به ملاقات دکتر بیاید، خلیلی درِ عطوفت ومهربانی اش روی همه باز بود، الا اخم، الا عبوسی ، الا ترشروئی.
همیشه متُبسّم، خنده های متینش، آرامبخش هردلی بود که به نوعی با او کارداشت.
متواضع وخوشرویی از بارزه های رفتاری اخلاقی این دکترِ دل ها بود.
دکتر خلیلی تکبر و پرستیژ را سه طلاقه کرده بود، همیشه خودش بود، همانی بود که ارائه می نمود، فانتزی گری نداشت، آرایشی نبود، اما همینکه "خود" واقعی اش بود از او زمردی ساخته بود در قواره انسانیت، انسانیتِ خدا پسندانه، انسانیت سفارش خدا، آری، این سَطرهایی از دکتر خلیلی بود.
او مردمی زندگی کرد و در لباس خدمت پزشکی به مردم به پایان نامه و تـِز انسانیتش و مردم دار بودنش دفاع کرد و زیبا پایاَن نامه نوشت.
شنیدم که چون قُوی زیبا بمیرد
فریبنده زاد و فریبا بمیرد
خلیلی دکتر بود ، اما در کِشت
تبحُر داشت، زیبا میکشتَ، بجا میکشت، او بـــذر مهر ومحبت واحترام ونوع دوستی میکاشت، او حنظله نمیکاشِت تا تلخی بار آورد، او نیشکر میکاشت تا شَکر بارآورد، او شیرین بود اما زولبیای برخوردش، هیچ دلی را نمیزد، چون طبیعی بود چون مصنوعی نبود، طعم واقعی داشت، مزه شرافت می داد، نسیم عطرآگین وجودش، تسلا بخش بود، همه مراجعین به وی، از او توقع بیشخواهی داشتند، سیری ناپذیر، مهارت وتدبیر دکتر بگونه ای بود، که رضایت مندی را با رفتارمسکن خویش به طرف مقابل، تزریق میکرد و چه بسا در این راستا کسانی هم رنجیدند، اما بجرات می گویم این قصور از ناحیه دکتر نبود.
بگذارم و بگذرم و کام ها را بیش ازاین تلخ نکنم.
خداحافظ حکیم خنده رو طبیب بی ادعا، کاش برای یک روز بلند میشدی تا بدانی محصول کِشتنَت، چه ثمرهایی از افسوس ودریغ و شکستن دلَها در پرواز آخرت دارد، هرکه ترا شناخته محزون است.
دکتر عزیز، این کمینه با قلم ناچیزش ، فقط چند سطراز کتاب مثنوی انسانیت نگاشت در عین حالی که که تو مجلدی از کتب محاسن بودی، ما تـــو را با صمیم دل حلال می کنیم تو هم این کن.
خدایا دکتر ما در کنف عنایت توست با او خوب مدارا کن، او بابندگان تو مروت می کرد.

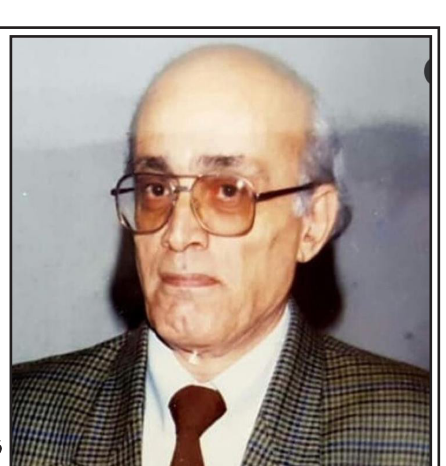
تحقق قول یک‌ساله سالاری برای مطالبه ده‌ساله در تامین اجتماعی



فرشاد نوروزپور روزنامه‌نگار و سرپرست سابق موسسه آتیه تامین اجتماعی با انتشار فیلمی از سخنان مصطفی سالاری مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی در خصوص متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان در صفحه اینستاگرام خود نوشت:
دو اولویت دکتر سالاری در آغاز کار به عنوان مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی در تیرماه سال گذشته، ارتقای اعتبار دفترچه‌های درمان چهل و چهار میلیون عائله سازمان و متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان بود.
اولی پروسه‌ای است که با اقدامات صورت گرفته مثل تسویه مطالبات انباشته مراکز طرف قرارداد، حذف دفترچه در قالب اجرای برنامه تامین اجتماعی دیجیتال و پوست‌اندازی ساختار شصت ساله، وضعیت بهتری را پیش رو دارد.
دیگری مطالبه بحق بیش از سه و نیم میلیون خانوار بازنشستگان و مستمری‌بگیران تامین اجتماعی یعنی متناسب‌سازی حقوق بود که از طریق بی‌سابقه‌ترین وصول مطالبات سازمان از دولت آن هم در شرایط خاص مالی کشور حاصل شد.
در کشاکش حملات افرادی از جایگاه‌های مختلف، عدم تحقق تکلیف و تعهد بیش از ده ساله نهاد دولت و صندوق بین‌نسلی تامین اجتماعی را متوجه سالاری می‌کردند و در سوی دیگر بهره‌برداری طبیعی و شاید ضروری همه افراد و نهادهایی که در این مسیر نقش‌آفرینی کردند و البته با توجه به اثر شرایط عمومی و اقتصادی کشور و برآیند مجموع محتوای تولید شده رسانه‌ای از نحوه ایجاد انتظارات و نیز انعکاس واکنش جامعه و ذینفعان، رفتارها و کنش‌های عوام‌فریبانه و غیرکارشناسی، نحوه تشریح موضوع و اساسا عدم تفاهم روی همسان‌سازی یا متناسب‌سازی تا طراحی نقش‌ها در سناریوی اعلام و اجرای طرح و حتی عدم دقت در بیان زمان و جزییات و حاصل اجرای آن، وضعیت مصطفی سالاری را نزد افکار عمومی و ذینفعان، شبیه مربی جدید تیم فوتبالی می‌کند که علی‌رغم تلاش و برد پرگل در بازی برگشت بخاطر شکست تیم در بازی قبل و یا نتایج سایر بازی‌ها، در نهایت دستش به عنوان برنده بالا نمی‌رود.
اما وظیفه اخلاقی حکم می‌کند که گفته شود شرط کافی تحقق این مطالبه، عملکرد مصطفی سالاری بود که با تهیه طرحی عملیاتی و ده ماه پیگیری مستمر، همه شروط بالقوه و لازم را تجمیع و بالفعل کرد و در راه عمل به قولش، حتی از خود هم عبور کرد که در مقایسه با رویه جاری بیشتر مسوولان مملکت که تلاش بر اثبات جایگاه و برند! خود و ابطال قبل و بعدشان دارند، این رفتار از این جهت ارزشمند و امیدبخش است که هنوز منش فرماندهان جوانی مثل همت، باکری، باقری و متوسلیان و از خود گذشتن در راه منافع عمومی، در کشور جاری است.
مثل شرط دکتر سالاری برای تامین منابع مالی پس از مسوولیتش که اردیبهشت ماه در جمع کانون بازنشستگان مطرح و البته با انتشارش مخالفت کرد. فیلم نزد من ماند و امروز بدون اجازه ایشان برای اولین بار منتشر می‌کنم؛ برعکس ناگفته‌های دیگر...
https://www.instagram.com/tv/CCbugsAlhqi/?igshid=۵۲b۹t۲۴zfolb

استاد حسن برازجانی؛
- حضورش همیشه خوش بود.
- خطّ فارسی را بسیار ریز، اما به‌دقّت و زیبایی تمام می نوشت.
- آراسته، تمیز، خوش‌تیپ و مهربان بود.
- یادش در ما مدام تکرار می‌شود.
- در ارائه یک موضوع تحقیقی دقیق بود. من (احمد فریدمند) در پی‌نویس کتاب "منظومه رؤیاهای مرجانی"، چاپ‌شده در سال ۱۳۸۹ توسط نشر "داستان‌سرا"، ردیف ۱۰ به این‌صورت از ایشان سپاسگزاری کرده‌ام:
این شعر (انا دیک مِن الهندی/ جمیل شکل والقدّی/...) از کتاب درس عربی سال اول دبیرستان آن سال‌هاست. با سپاس از استاد حسن برازجانی در یادآوریِ صحیح، کامل و ایضاً ترجمه دقیق آن.)
- از آن زمان که از سیامک برازجانی شنیدیم در شیراز ساکن شده تا چند سال پیش به خانه‌اش رفت‌وآمد داشتیم. شش، هفت‌سالی ازش بی‌خبر بودیم تا این اتّفاق ناگوار افتاد.
- ما این عکس درهم‌شکسته مراسمِ اطلاع‌رسانی و سوگواری برای ایشان را نمی‌پسندیم.
آخر او "پسر خدا بود!"
احمد فریدمند، صمد طاهری، ابوتراب خسروی، شاپور جورکش، فیض شریفی، سیروس رومی، کیوان نریمانی، مجتبی فیلی، نیما تقوی، عبدالمجید زنگویی، مسیّب بردخونی، فرشته محمدشاهی، مرتضی زندپور، دریا لیراوی، داریوش کفایی،... و عدّه‌ای دیگر از اهل قلم شیراز

پیام هم دردی گروهی از فرهنگیان بوشهر به مناسبت درگذشت حسن برازجانی دبیر بازنشسته ی استان بوشهر



از شمار دو چشم یک تن کم / وز شمار خرد هزاران بیش
حسن برازجانی دبیر پرپیشینه ی ادبیات فارسی دبیرستان های بوشهر به علت ایست قلبی شوربختانه چشم از جهان فروبست. برازجانی دانش آموخته ی رشته ی ادبیات فارسی دانشگاه شیراز بود و با مدرک لیسانس دبیر دبیرستان های بوشهر گردید. این فرهنگی گرانمایه سی سال آموخته های خود را در کادر توانمندی ذهنی دانش آموزان پیشکش فرزندان دیار کهنسال بوشهر کرد. برازجانی در میان دبیران ادبیات فارسی دبیرستان های بوشهر از قله نشینان بود و سرمایه ای برای آموزش و پرورش محسوب می شد. همسر ایشان شادروان مریم صابر که در فروردین این سال بدرود زندگی گفت نیز دانش آموخته ی رشته ی ادبیات دانشگاه شیراز بود و سه دهه به دانش آموزان و آموزش و پرورش بوشهر خدمت کرد.
ما گروهی از همکاران زنده یاد برازجانی خود را در اندوه درگذشت این معلم فرهیخته شریک دانسته، برای این دو فرهنگی پیش کسوت، بخشایش خداوندی و برای خاندان ارجمند برازجانی و صابر پایندگی و بهروزی آرزومندم.
نجف آهوچهر، عبدالحسین احمدی ریشهری،حسن اخباری زاده، سید عبدالصاحب امامی، حسین امیری، عالی بازدار، حسین بختیاری آزاد، عبدالمحمد پوربهی، ماشالله پورجماد، عبدالحمید جلیلی، حبیب جعفری، محمود جهانی آباد، عبدالخضر حسن ابراهیمی، عبدالله حسن ابراهیمی، علی حق شناس، محمد کاظم حق شناس، سید جعفر حمیدی، علی دباش، محمد رضا دباش، غلامحسین دلاور،عبدالرسول زاهدی، رضا زنگویی، مجید رستمی، احمد سبحانیان، حمید شاه ولی، نعمت الله شیخ سقا،علی اصغر صداقت، رمضان عباس پور، ماشالله عبدی زاده، محمد عصفوری، برهان غلام پور، حسن غلامی نژاد، کرم فخرزاده، اصغر فرخ زاده، خورشید فقبه،عبدالحمید فقیه، کریم قاسمی،نادر قربانی، سید احمد کازرونی، شمسی کدوبری، ابوالقاسم کمندی، عبدالحسین کنین، غلامحسین کوه پیکر، ابراهیم گرمساری،حمید گشمردی، ماندنی گوهرشناس، علی ماهینی، سید کوچک محزون زاده، مجید محمد زاده، غلامرضا محمد علی پور،قاسم محمدی باغملایی، عبدالکریم مشایخی، سید علی مصطفوی، خلیل موحد، اکبر نهاری، ماشالله نهاری، محمد نقی واعظی.